

وظیفه ی اداره ی نظارت بر تطبیق مبارزه با فساد اداری چیست؟



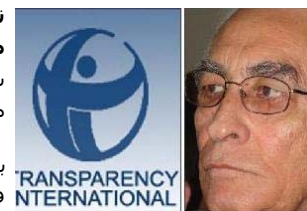
سه شنبه، ۱۱ عقرب ۱۳۸۹

نویسنده: حشمت الله رادفر
مبارزه با فساد اداری یا توجیه فساد

سازمان شفافیت بین المللی با انتشار یک گزارش در مورد کشورهای فاسد جهان، افغانستان را سومین کشور فاسد جهان معرفی کرده است.

بربنیاد این گزارش، سومالیا و برما در مقام های اول و دوم فساد قرار دارند و عراق پس از افغانستان چهارمین کشور در این فهرست است.

مسوولان نهاد یاد شده گفته اند، این گزارش براساس بررسی های انجام شده در یکصد و هفتاد کشور جهان تدوین شده است.



اما مسوولان اداره ی نظارت بر تطبیق راهبرد مبارزه با فساد اداری در افغانستان، یافته های گزارش نهاد بین المللی شفافیت را غیرواقعی و بی اساس خوانده اند.

محمد یاسین عثمانی رییس این اداره گفته است، نهاد بین المللی شفافیت کوچک ترین اطلاعاتی در مورد افغانستان و افغان ها ندارد و گزارش خود را بر اساس حدس و گمان و نیز براساس منابع "غیرمسئول" تهیه می کند.

گزارش سازمان شفافیت بین المللی در حالی منتشر شده، که حدود سه ماه پیش، دفتر مبارزه با مواد مخدر و جرایم سازمان ملل متحد نیز با انتشار گزارش مشابهی از وجود فساد در نهادهای دولتی افغانستان ابراز نگرانی کرده بود.

در گزارش سازمان شفافیت بین المللی آمده، که شهروندان افغانستان طی سال میلیون تا یک میلیارد دالر برای اجرای کارهای خود به کارمندان دولتی ۶۵۰، ۲۰۰۹، رشوه پرداخت کرده اند.

آقای عثمانی تاکید کرده، که فساد در افغانستان به اندازه های نیست که در این گزارش منتشر شده است.

عثمانی با استناد به استقبال باراک اوباما رییس جمهوری امریکا از مبارزه ی دولت افغانستان با فساد اداری گفته، که اظهارات اوباما بیانگر تلاش دولت کابل در ریشه کن کردن فساد مالی است.

رییس اداره نظارت بر تطبیق راهبرد مبارزه با فساد، با وارداتی خواندن پدیده ی فساد در کشور گفته است که این مشکل (فساد) یک شبه حل نمی شود و به زمان بیشتری نیاز است.

عثمانی گفته است: "برخلاف ادعاهای خارجی ها فساد در افغانستان به طور قابل ملاحظه یی فروکش کرده است."

وی با اشاره به طرح جدید حکومت مبنی بر تعیین مقام های بلندپایه دولتی از طریق رقابت آزاد و بر مبنای اصل شایستگی، استرداد زمین های دولتی از افراد و به دادگاه کشانیده شدن شماری از مسوولان قوه ی قضاییه کشور گفته است، تاکنون درصد غاصبان زمین های دولتی با مسترد کردن این زمین ها، از اقدام خود ابراز ۹۰ بشیمانی کرده اند.

آقای عثمانی تشکیل کمیسیونی در آینده ی نزدیک را ممکن دانسته، به گفته ی او در مورد نهاد های بین المللی غیر مسوول خارجی (نظیر نهاد شفافیت بین المللی) پژوهش می کند تا بر مبنای آن وظایف و صلاحیت های این نهاد ها مشخص شده و چهارچوبی برای فعالیت های آنان فراهم شود.

اداره ی نظارت بر تطبیق راهبرد مبارزه با فساد اداری در افغانستان، در حالی گزارش نهاد بین المللی شفافیت را بی اساس و مبتنی بر حدس و گمان توصیف می کند، که به گفته ی مسوولان نهاد دیده بان شفافیت افغانستان، میزان شفافیت عملکرد یک دولت براساس سنجش افکار عمومی یا تجربه ی شهروندان از کار روزمره دولت ها صورت می گیرد، نه ادعای خود دولت مردان، زیرا به باور آنان کارایی هر اقدام حکومت را باید میزان رضایت مردم تعیین کند.

در مورد اظهارات رییس اداره نظارت بر تطبیق راهبرد مبارزه با فساد در پیوند به انتقاد از سنجح های نهاد بین المللی شفافیت می توان گفت، که دستکم اظهارات رییس این اداره به جز از روحیه ی توجیه گرانه یی که سرتاسر دستگاه دولتی افغانستان را فرا گرفته، به هیچ گونه پایه و اساس قابل اطمینانی مبتنی نبوده و به گونه آشکاری ردپای گمان و تخمین و نوعی گمراه سازی افکار عامه در پیوند با ناتوانی های دولت در امر مبارزه با فساد اداری، در این اظهارات قابل مشاهده است، زیرا ایشان بر بنیاد رسم معمول در افغانستان که هرچه از زبان حکومتی ها بیرون می آید با نوعی تقدس مآبی عوام فریبانه همراه است، توقع دارند که مردم آنچه از زبان گهربار وی در پیوند با این که در این مسیر چه گام هایی برداشته اند بیرون می شود، را باور کنند.

آقای عثمانی اظهار نظر خوش بینانه ی باراک اوباما در پیوند به مبارزه ی دولت افغانستان با فساد را، مهر تاییدی بر پیشرفت روند فساد اندود مبارزه با فساد در افغانستان قلمداد کرده، که با توجه به سیاسی و کلی بودن این گونه اظهار نظرها، نمی توان به انطباق آن با واقعیت های عینی افغانستان امید بست.

"برای حل مشکلات نیاز به زمان بیشتر داریم." مقوله تکراری و کسل کننده ی مسوولان دولتی در افغانستان است که از ده سال به این سو، به یک پاسخ حاضر و آماده و بی چون و چرا برای آنان تبدیل شده است. کمتر مسوول دولتی را می توان سراغ گرفت که هنگام روبرو شدن با پرسشی در پیوند به عملکرد اداره زیر فرمان اش از این عبارت بی پیرانه، مبهم و غیر الزام آور استفاده نکند.

آقای عثمانی نیز بسان بسیاری از ماموران و کارمندان دولتی گفته است که مشکل فساد یک شبه حل نمی شود و به زمان بیشتر نیاز داریم.

وارداتی خواندن مشکلات، گریزگاه دیگری است که وقتی مسوولان دولتی در افغانستان از اراییه ی یک پاسخ قانع کننده عاجز می شوند، به آن روی می آورند و به ساده گی بارخود را به شانه های خارجی ها می اندازند. شاید اگر خارجیان در این کشور حضور نمی داشتند، بسیاری از پرسش های مردم از مسوولان دولتی بدون

پاسخ می ماند. رییس اداره ی نظارت بر تطبیق راهبرد مبارزه با فساد، فساد را یک پدیده خارجی دانسته و احتمالاً به فساد موجود میان نهاد بین المللی مستقر در افغانستان نظر داشته که با توجه به فرا دست بودن این نهاد ها در بیشتر موارد، سخن گفتن در این مورد برای آقای عثمانی فرافکنی ای بیش نخواهد بود.

"فساد در افغانستان به طور قابل ملاحظه ای فروکش کرده است." عبارت گنگ و غیر مستند دیگری است که آقای عثمانی هنگام دفاع از برنامه ی بی حرکت به ظاهر فساد زدایش به زبان آورده، اما توضیح بیشتر نقرموده که این فروکش کردن فساد چگونه و با چه معیاری سنجیده شده است؟

رییس اداره ی نظارت بر تطبیق راهبرد مبارزه با فساد، با ارایه ی یک رقم به ظاهر دقیق، از استرداد ۹۰ درصد زمین های غصب شده توسط زورمندان سخن گفته است، درحالی که دستکم در شهر کابل زیر نظر مستقیم بلندپایه گان نظام همه روزه زمین های بی شماری به چنگ مافیای زمین می افتد و در چهار گوشه ی این شهر هر روز صدها و یا شاید هم هزار ها نمره زمین بدون نقشه شهرداری به خانه های زورآباد تبدیل می شوند و هیچ نشانه ی روشنی هم از کند شدن این روند به چشم نمی خورد.

بدون شک مسوولان اداره نظارت بر تطبیق راهبرد مبارزه با فساد در افغانستان به این پرسش پاسخ قانع کننده ای ندارند، که چرا وقتی نسبت به نشر گزارش یک نهاد خارجی در پیوند به چند و چون فساد تا این اندازه حساس و واکنشی هستند، خود در مقاطع مشخص زمانی به نشر گزارش های دقیق و مبتنی بر اسناد، مدارک و منابع موثق و قابل اعتماد، نمی پردازند تا هم مردم افغانستان از قول ایشان در مورد قضایای کشور شان آگاهی حاصل کنند و هم زبان خارجی ها از ارایه ی "گزارش های غیر مستند" در مورد میزان فساد بودن دستگاه دولتی افغانستان کوتاه شود.

به نظر می رسد نهاد های حکومتی در افغانستان، که اداره نظارت بر تطبیق راهبرد مبارزه با فساد نیز یکی از آن ها است، به دستگاه های واکنش گری تبدیل شده اند، که انتظار می کشند تا خارجیان و یا گاهی هم رسانه های خارجی و داخلی چه چیزی را به نشر می رسانند، تا آنگاه با برگزاری یک نشست خبری به رد قاطعانه و شدید آن بپردازند. شاید هم به احتمال قوی برداشت ایشان از الگوی حکومت نظاره گر بر امور، همین گونه است.

آقای عثمانی تشکیل یک کمیسیون شش نفری برای بررسی کار نهاد های بین المللی مستقر در افغانستان ممکن دانسته است، که باید این اقدام نیز به حساب کمیسیون سازی های گذشته، که کارشان هیچ گونه بازدهی نداشته است، گذاشته شود و در بهترین حالت باید انتظار کشید که نتیجه ی بررسی کمیسیون یاد شده منجر به صدور فرمانی از سوی رییس جمهور گردد، که در مقطع خاص زمانی به عنوان برگ برنده ای در بازی های پنهانی و غیر شفاف ایشان با متحدان بین المللی اش بر روی آنان کشیده شود.

شاید بخشی از انتقادات آقای عثمانی از گزارش سازمان شفافیت ناشی از این تفاوت محاسبه و سنجش باشد، که ایشان میزان فساد و شفافیت را در لای اوراق انبار شده در اداره ی زیر فرمان خویش و یا احتمالاً اسناد و مدارک قابل حصول در ادارات دولتی نظیر تخصیص بودجه به نهاد های دولتی سنجیده است و در گیرو دار این دیوان سالاری ها متوجه نشده است، که میزان فساد اداری بیشتر در عملکرد مجریان مورد ارزیابی قرار می گیرد نه در لای اوراق دیوان سالارانه ی حکومتی.

چه این که بسیاری از آگاهان به این باور اند که آقای عثمانی در اداره ی مبارزه با فساد اداری، بیش تر از این که نقش رهبری کننده ی تلاش های دولت افغانستان در امر مبارزه با فساد اداری عمل کند و دستکم با تکیه بر صلاحیت های قانونی خویش بر پیکره نیرومند فساد پیشه گان در دستگاه بیروکراتیک دولت افغانستان تکانه های نگران کننده پی را ایجاد کند، به عنوان مرجع تضمین معافیت فساد پیشه گانی که رگه های فساد اداری از راس تا قاعده ی نهاد های خدمات عامه در افغانستان به آنان منتهی می شود، عمل کرده است، زیرا هستند کسانی که با اعتماد به نفس کاربردی و عمل گرایانه پی این نظریه را مطرح می کنند که برای برملا شدن بخش بزرگی از رگه های نهفته ی فساد اداری در افغانستان، تنها بازرسی جعبه ی میز آقای عثمانی که پر از دوسیه های "حفظ شده" ی فساد بلندپایه گان نظام افغانستان است، کافی می باشد.

افزون بر آن در سایه ی زدوبند های درون ساختاری قدرت و مصلحت اندیشی های رییس جمهور کزری تعدادی از افراد از نشانی خانواده ها و دسته های منزلتی نزدیک با حلقه های قدرت در گذشته و حال به مناسب بلند حکومتی به ویژه در نهاد های مبارزه با فسادگمارده شده و می شوند که نه تنها کم ترین توانایی و تخصص برای پیش برد این امر دشوار و چند بعدی نداشته اند، بلکه خود نماد های برجسته پی از فساد شمرده شده می توانند.

عزیز الله لودین که پس از لویه جرگه قانون اساسی به عنوان رییس اداره مبارزه با فساد اداری تعیین شد که روند دشوار و چند بعدی مبارزه با فساد اداری را به دوسیه سازی های سیاسی به شماری از چهره های سیاسی درون ساختار قدرت که در انتخابات نخستین دور ریاست جمهوری به نحوی در رقابت یاهم مخالفت با رییس جمهور کزری قرار داشتند، خلاصه کرد. (در این جستار برای پرداختن به کارنامه های وی در دومین انتخابات تقلب اندود ریاست جمهوری به نفع حامد کزری داشته، جایی در نظر گرفته نشده است.) و سنگ بنای مبارزه با فساد اداری در افغانستان چنان کج و فساد اندود گذاشت که تا اکنون روند مبارزه با فساد اداری را با بازدهی و موثریت بیگانه کرده است.

ذبیح الله عصمتی که مدتی به عنوان سرپرست اداره مبارزه با ارتشا و فساد اداری ایفای وظیفه کرد، پس از آنکه نمایه هایی از فعالیت صادقانه و پیگیر در امر مبارزه با فساد اداری را از خود تبارز داد، و بسیاری از دوسیه های فساد که امروزه دادستانی کل افغانستان سنگ آن را به سینه می زند در زمان اندک سرپرستی عصمتی در اداره ی مبارزه با فساد ایجاد شده بودند، در مصاف با مافیای فساد اداری در وضعیتی قرار گرفت که به عزت الله واصفی (کسی که خود به اتهام قاچاق مواد مخدر در ایالات متحده ی آمریکا زندانی شده بود) جا خالی کرد و بلاخره هنگامی که در سمت ریاست شرکت هوایی آریانا برای جلوگیری از فرو افتادن این شرکت به دست لارد های تریاک و مافیای فساد اداری تلاش های خسته گی ناپذیری را انجام داد، به روایت همسرش "به شهادت رسانده شد."

به همین تازه گی ها فرد دیگری بنام قسیم لودین مدت بیش تر از شش ماه به اصطلاح در زیر ریش آقای عثمانی به عنوان معاون اداره ی عالی نظارت بر تطبیق راهبرد مبارزه با فساد اداری، ایفای وظیفه می کرد که با اسناد تحصیلی جعلی به این سمت گمارده شده بود و بر مبنای اسنادی که از همین اداره به بیرون درز کرده همین اکنون از بابت سه ماهه معاش پیشکی در پست مشاورتی که پیش از آن در وزارت احیا و انکشاف دهات در دست داشت، همین اکنون حدود ۴۵۰ هزار افغانی به دولت بدھکار می باشد.

به این صورت می توان به آقای عثمانی این اصل عمده را گوشزد کرد که رد یا حتا تایید گزارش های نهاد های جهانی در پیوند با فساد اداری یا هم توجه وضعیت نا به هنجار کنونی از این زاویه، درد جانکاه ناشی از فساد در اداره ی افغانستان را درمان نخواهد کرد و لازم است تا با تدوین و اجرای برنامه های دقیق، همه جانبه و قانع کردن رهبری دولت افغانستان که فساد پیشه گان را به محترم ها و نا محترم ها، زورمندان و ماموران بی بضاعت و ... تقسیم نکند، از روند رویه رشد بی اعتمادی مردم نسبت به مبارزه ی بی اثر با فساد اداری جلوگیری شود.